

کریم آل کساء

رفتار کریمانه

یکی از اهالی شام، از کسانی که معاویه آنان را آکنده از کینه و نفرت نسبت به علی و آل علی علیه السلام ساخته بود، بر امام حسن مجتبی علیه السلام گذشت و ناروا و ناسزای بسیار بر ایشان گفت. امام صبورانه سکوت کرد؛ چراکه می دانست او علی و خاندانش را تنها از همان دیدی که معاویه تصویرشان کرده می بیند. وقتی مرد شامی سخنان درشت و بی ادبانه خود را به پایان رساند، امام مهرمندانه بر او لیخندی زد و به شیوه ای آرام و برخاسته از بخشندگی و بزرگواری با وی سخن گفت و هر چه دیده و شنیده بود، نادیده انگاشت و فرمود: ای مرد! اگر غریبه ای و راه به جایی نمی بری به منزل ما بیا، اگر حاجتی داری تو را یاری خواهیم کرد، اگر راهنمایی بخواهی تو را راهنمایی می کنیم، اگر گرسنه ای، بر منزل ما فرود آی، اگر بی پناهی، پناحت می دهیم... و به همین شیوه که سرشار از عطوفت و مهربانی بود، به سخن گفتن با وی ادامه داد. مرد از این رفتار کریمانه، سرشار شرم و آزر شد و طلب عفو و بخشش کرد و گفت: خداوند می داند که رسالتش را در کجا بنهد.

سخاوت

درباره گشاده دستی بی مرز امام مجتبی علیه السلام روایات بسیار آمده است. محمد بن حبیب در این باره می گوید: امام حسن دو بار هر چه داشت به فقرا داد و سه مرتبه مال خود را با خدا به دو نیم کرد و نیمی را در راه او انفاق نمود. روزی شخصی به خدمت امام مجتبی رسید و از دشمن ستمگری شکوه کرد که حرمت پیران را پاس نمی دارد و بر خردسالان رحم نمی کند. امام به او فرمود «چه کسی یا تو سستی؟ کرده تا دادت را از او بستانم؟» مرد گفت: تنگ دستی و ناداری. امام لحظه ای سر به زیر افکند و سپس رو به خادمش فرمود «هرچه نقد داری حاضر کن» خادم پنج هزار درهم آورد. امام همه را به مرد فقیر بخشید و فرمود «...تو را قسم می دهم که هر زمان دیگر دشمنت، فقر از سر سستی یا تو درآمد، شکایت او را به نزد من بیاور.» ●



شفاعت

«این شهر آشوب» در کتاب مشهور خود «مناقب» از امام باقر علیه السلام روایت کرده است مردی در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله مرتکب گناهی شد. او شرم زده و خجل از کرده خویش، خود را پنهان ساخت. تا آن که روزی حسن و حسین را در کوچه خلوتی مشاهده کرد. آن دو را در آغوش گرفت و به نزد رسول خدا آورد و گفت: من به خداوند تعالی و به این دو پناهنده شده ام. رسول خدا صلی الله علیه و آله که زیر کی آن مرد را دید، آن قدر خندید که دست مبارکش را جلوی دهان گرفت. سپس به آن مرد فرمودند: تو آزادی، و به امام حسن و امام حسین نیز چنین گفتند: شما را درباره این مرد شفیع قرار دادم. به دنبال این واقعه این آیه نازل شد «... و اگر ایشان هنگامی که به خود ستم می کردند به نزد تو می آمدند و از خدا طلب آمرزش می کردند و پیامبر هم برای آن ها استغفار می کرد، خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند».

مجتبی و عسکری

در بررسی نام های امامان معصوم علیهم السلام به نکاتی بس دل پذیر دست می یابیم؛ «علی» نام چهار امام بود. سه امام، «محمد» و سه امام «جعفر، موسی و حسین» نام داشتند. نام مبارک امام مجتبی و امام عسکری نیز «حسن» بود.

این دو حسن، در نام پدر نیز مشترک بودند. افزون بر این ها در زندگی این دو امام بزرگوار می توان اشتراکات دیگری نیز یافت. سیره و رفتار این دو بزرگوار زمینه ساز دو قیام شد که نهضت حسینی پس از مسمومیت امام مجتبی علیه السلام تحقق یافت و قیام حضرت مهدی علیه السلام در آینده تحقق می یابد. امام حسن مجتبی علیه السلام در حکومت جور معاویه خون دل خورد و به وظیفه عمل کرد، امام عسکری علیه السلام نیز استبداد خلفای عباسی را پیش رو داشت.

ضامن اندیشه‌ام باش

ضامن آهو

بی‌نام و نشانیم یا ضامن آهو
بی‌شوکت و شانیم یا ضامن آهو
حیران شدگانیم خسران زدگانیم
جویای ضمانیم یا ضامن آهو

حکایت آهوی بی‌ماوا که از کمند صیاد به دامن امان رضا علیه السلام پناه آورده بود، در وسعت بی‌شمار ذهن‌های دردمند منتشر شده است. این قصه، راوی رافت امام است و عطوفت بی‌مرزشان، و آزمندی مردمان که از آستان مهربانی او لطف اجابت و دستگیری بخواهند. نفس است که صیاد شد آهوی دلم را
باید تو شوی ضامن دل نزد خدایت
گویا دردمندی اینان را جز آغوش رحمانی رضا طبیعی نیست.
آهوی رمیده از جفای صیاد

در دامن پر مهر تو خو می‌گیرد
در این واگویی‌ها، صیاد، تمثیلی از جور زمانه است یا نفس سرکش، یا آفتی که بر جانمان آوار شده، و آهو، اشتیاقی فطرت آدمی به رها شدن و آزاد گشتن:

آهوی اشکم، به دست بغض دل‌تنگی اسیر
می‌دوم با پای زخمی در خیابانت غریب
ضامن اندیشه‌ام باش از هجوم گرگ‌ها
هشتمین یوسف که مانده روح کنعانت غریب
و خواهش همیشه زائرانش:
در بند هوایم یا ضامن آهو
در فتنه رهاییم یا ضامن آهو
آوده مبادا فرسوده مبادا
این‌گونه که ماییم یا ضامن آهو



و قبری در طوس

دعبل خزایی، با اشعار پر حماسه و گل‌واژه‌های ناب کلامش که اندیشه‌های بلند تشیع را به نسیم یادها و خاطره‌ها می‌سپرد، مشهور است. یکی از شکوهمندترین مناظری که این شاعر فرهیخته در نمای اشعار خود آفرید، سروده‌ای است که آن را در محضر امام علی‌بن موسی علیه السلام بازخواند. دعبل در این قصیده حماسی، سخن از بی‌مهری زمان و مدارس دور مانده از مدرّسان وحی آغاز کرد تا به این ابیات رسید: سرانجام امامی قیام خواهد کرد. او به تأیید اسم اعظم الهی و برکات نصر آسمانی به پا می‌خیزد. او حق و باطل را از هم جدا می‌کند و همه را بر پلیدکاری‌ها و کینه‌توزی‌ها کيفر می‌دهد.

وقتی دعبل شعرش را به پایان برد، امام رضا علیه السلام در سخنی که تا ابد لهیب غم‌انگیزی بر دل دوستانش نشانند، فرمود: ای دعبل! آیا دوست داری دو بیت بر قصیده‌ات بیفزایم. دعبل گفت: آری ای پسر رسول خدا افتخار می‌کنم. آن‌گاه امام فرمود: «وقبری در طوس که صاحبش مصیبت‌های بسیار می‌بیند و رنج‌هایی که دل‌ها را به اندوه می‌کشد.» دعبل پرسید: آن‌جا قبر کیست؟ امام فرمود «آن‌جا قبر من است. دیرزمانی نخواهد گذشت که مدفن من مکان رفت و آمد شیعیان و دوستانم خواهد شد.» ●

حجت راستین خدا



نیکی در برابر بدی

نیکی در برابر نیکی، و بدی در مقابل بدی، رسم جامعه بشری است، اما در فرهنگ والای اسلامی، معامله به مثل، آخرین راه‌کار، و قانون، بدی را به خوبی پاداش دادن است؛ البته این شیوه و منش در مسایل فردی و شخصی است و گرنه در برخی مسائل حقوقی و بیت‌المال، محاسبه دیگری مطرح است. درباره امام حسن عسکری علیه السلام گفته‌اند وقتی که معتمد (خلیفه عباسی) ایشان را به دلیل گزارش‌های پنهانی جعفر کذاب به زندان افکند، پس از چندی از زندانبان پرسید «ابومحمد چه می‌کند؟» پاسخ شنید: «روزها روزه است و شب‌ها عبادت می‌کند.»

معتمد به او دستور داد تا امام را آزاد کند. زندانبان می‌گوید «وقتی پیام خلیفه و نامه وی را رساندم، امام سوار بر مرکب شد ولی از زندان خارج نشد، علت را جویا شدم. فرمود «مرا با جعفر از یک خانه دستگیر کرده‌اند، بدون وی برگشتن نخواهد بود.» وقتی سخن امام را به او رساندم، گفت: «به خاطر گزارش جعفر، او را به زندان افکندم، برو و او را نیز آزاد کن.»

زبان‌آگاهی امام

در گفت‌وگوی بی‌واسطه، ابهام‌ها رخت می‌بندند، حرف‌ها و مقصودها روشن‌تر جلوه می‌دهند و کارها با آسانی همراه می‌شود؛ از این‌رو عالمان، اندیشمندان و مدیران و سیاستمداران می‌کوشند تا بی‌نیاز مترجم به ابزارهای گفت‌وگوی بی‌واسطه مجهز شوند. امام معصوم که حجت الهی و واسطه فیض خداوندی است، بدون تردید باید به این سرمایه مجهز باشد. «نصیر» خادم امام حسن عسکری علیه السلام در این باره می‌گوید «بارها دیدم که حضرت ابومحمد با زبان‌های مختلف سخن می‌گوید و از این موضوع شگفت‌زده شدم و به خود گفتم: ابومحمد که در مدینه به دنیا آمد و عرب است، چگونه به زبان ترکی و رومی و غیره گفت‌وگو می‌کند؟ ناگاه حضرت را دیدم که فرمود «خداوند حجت خود را از میان مردم برگزید و به وی معرفت همه چیز را آموخت؛ از این‌رو او لغت‌شناس است، دانش رجال و نسب‌ها را دارد و حوادث و رویدادها را می‌داند و اگر نه این بود، دیگر تفاوتی بین حجت خدا و دیگر مردمان نبود.» ●